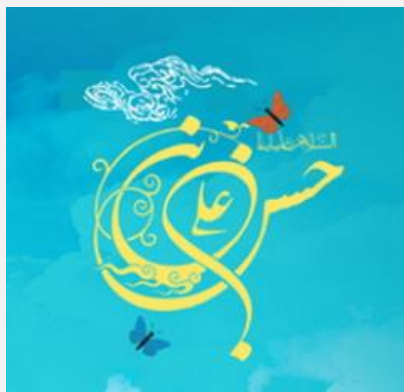


بردباری از نگاه امام حسن (ع) چیست؟

امروز ماه خدا به نیمه رسید در این نیمه ماه خداوند به خانه علی (ع) و فاطمه (س) ماهی عطا کرد که سرور جوانان بهشت است و به قدری بزرگ است که کریم اهل بیت (ع) لقب می‌گیرد و اسوه زهد و پارسایی، کمال، شجاعت، ایثار و ادب است و با آمدنش شادی را به خانه بهترین‌های خلق می‌آورد.



امروز ماه خدا به نیمه رسید در این نیمه ماه خداوند به خانه علی (ع) و فاطمه (س) ماهی عطا کرد که سرور جوانان بهشت است و به قدری بزرگ است که کریم اهل بیت (ع) لقب می‌گیرد و اسوه زهد و پارسایی، کمال، شجاعت، ایثار و ادب است و با آمدنش شادی را به خانه بهترین‌های خلق می‌آورد.

امروز خداوند به عالم امامی را عطا کرد که قلبی پاک و رؤف نسبت به دردمندان و تیره‌بختان جامعه داشتند و با خرابه‌نشینان دردمند و اقشار مستضعف و کم‌درآمد همراه و همنشین می‌شدند و درد دل آن‌ها را با جان و دل می‌شنیدند و به آن ترتیب اثر می‌دادند و در این حرکت انسان‌دوستانه جز خداوند را مدّ نظر نداشتند، هیچ‌گاه ضعیف، ناتوان و درمانده، ناامید از درب خانه آن حضرت برنمی‌گشت، حتی خود ایشان به سراغ فقرا می‌رفتند و آن‌ها را به منزل دعوت می‌کردند و به آن‌ها غذا و لباس می‌دادند.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در نیمه ماه رمضان سوم هجری، اولین فرزند حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) به دنیا آمد. پس از ولادت، نامگذاری از جانب مادر به پدر، و از او به رسول خدا محوّل شد و آن حضرت هم منتظر نامگذاری پروردگار ماند.

تا اینکه جبرئیل، امین وحی، فرود آمد و گفت: خدایت سلام می‌رساند و می‌گوید چون علی برای تو همانند هارون برای موسی است، نام فرزندش را نام فرزند حضرت هارون علیه السلام یعنی شَبْر قرار ده! رسول خدا فرمود: زبان من عربی است و شَبْر، عبری است.

جبرئیل گفت: شَبْر در زبان عرب به معنای «حسن» است. به این ترتیب، کودک، حسن نام گرفت. تنها کنیه‌ی آن حضرت «ابو محمد» و مشهورترین القابش «سید» و «سبط» و «تقی» است.

نقش خاتم و انگشتر امام حسن را «العزه لله» گفته‌اند؛ روز هفتم پس از ولادت، رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم مستحبات ولادت را در مورد حسن به جا آوردند. بعدها نیز رسول خدا برای امام حسن (ع)، ادعیه‌ی عافیت و حرزهای مخصوص چشم‌زخم را خواندند.

فرزندان امام

کمترین عددی که درباره فرزندان حضرت نوشته‌اند 7 نفر و بیشترین عدد 23 نفر است. شیخ مفید، فرزندان حضرت را 15 نفر می‌داند (هشت پسر و هفت دختر).

از دختران حضرت 4 نفر و از پسرانش نیز 4 نفر صاحب فرزند شده‌اند. البته دو تن از پسران، فرزند پسر نیاوردند و به همین جهت نسل تمامی سادات حسنی به آن دو پسر دیگر که فرزند پسر آورده‌اند (زید و حسن متّی) منتهی می‌گردد. در سلسله سادات حسنی، دانشمندان، سلاطین، محدّثان و انقلابیون متعدّدی وجود دارد.

ذکر امام در قرآن

قرآن مجید مشتمل است بر یادکردی از شخصیت‌ها، از خوبان یا از بدان، لیکن این یادکرد گاهی همراه با ذکر نام است (همانند آنچه درباره موسی و فرعون ذکر شده است) و گاه فقط با توصیف، و بدون ذکر نام. (همانند آنچه درباره امام علی علیه‌السلام نازل شده است.) درباره امام حسن علیه‌السلام نیز آیاتی به صورت توصیف و بدون ذکر نام نازل شده است؛ همانند آیه تطهیر، آیه ذوی القربی و آیه اولی الامر.

چند حکایت از سیره‌ی امام حسن مجتبی (ع)

میمون بن مهران گفت: نزد امام حسن علیه‌السلام نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای فرزند پیامبر (ص) فلان شخص از من طلبی دارد ولی من پولی ندارم، برای همین او می‌خواهد مرا زندانی کند. امام فرمود: در حال حاضر مالی ندارم که بدهی تو را بدهم؛ او عرض کرد: پس شما کاری کنید که او مرا زندانی نکند. امام در حالی که در مسجد مشغول عبادت (اعتکاف) بود، کفش‌های خود را به پا کرد. من گفتم ای فرزند رسول خدا مگر فراموش کردید که در حال اعتکاف هستید (و نباید از مسجد خارج شد)؟ فرمود: فراموش نکرده‌ام اما از پدرم شنیده‌ام که رسول الله می‌فرمود: کسی که در بر آوردن حاجت برادر مسلمان خود بکوشد، مانند کسی است که 9 هزار سال، روز را به روز و شب را به عبادت مشغول بوده است.

روزی امام حسن (ع) سواره بودند و مردی از اهل شام امام را ملاقات کرد و پی در پی او را لعن و ناسزا گفت. امام هیچ نفرمود تا مرد شامی از دشنام دادن فارغ شد.

آنگاه امام رو به مرد شامی کرد و سلام نمود و خنده کرد و فرمود: ای آقا گمان می‌کنم غریب باشی و گویا بر تو مشتبه شده؛ اگر از ما طلب رضایت می‌جوئی از تو راضی می‌شویم، اگر چیزی سؤال کنی عطا می‌کنیم، اگر طلب ارشاد کنی ترا ارشاد می‌کنیم، اگر گرسنه باشی ترا سیر می‌کنیم، اگر برهنه باشی تو را می‌پوشانیم، اگر محتاج باشی بی‌نیازت می‌کنیم. اگر رانده شده‌ای ترا پناه می‌دهیم، اگر حاجت داری حاجتت را برمی‌آوریم، اگر بار خود را بر خانه ما فرود آوری و میهمان ما باشی تا وقت رفتن برای تو بهتر خواهد بود؛ زیرا خانه ما وسیع و از امکانات برخوردار است. چون مرد شامی این سخنان را از آن حضرت شنید، گریست و گفت: شهادت می‌دهم که توئی خلیفه الله در روی زمین، و خدا بهتر می‌داند که خلافت و رسالت را در کجا قرار دهد. پیش از آن که تو را ملاقات کنم تو و پدرت دشمن‌ترین خلق نزد من بودید، و الان محبوب‌ترین خلق نزد من هستید. پس بار خود را به خانه حضرت فرود آورد، و تا در مدینه بود مهمان امام بود و از محبان و معتقدان اهل بیت(ع) گردید.

چند حدیث از امام حسن مجتبی (ع)

****امام حسن(ع) فرمودند:** نابودی مردم در سه چیز است: بزرگ نمائی، افزون خواهی بسیار، حسد و رشک بردن.
****از حضرت امام حسن (ع) پرسیده شد که بردباری یعنی چه؟ فرمودند:** بردباری عبارت از فرو بردن خشم و اختیار خودداشتن است.

****چنان برای دنیایت تلاش کن که گویا همیشه زنده‌ای، و چنان برای آخرت تلاش کن که گوئی فردا مرگت فرا می‌رسد.**

****دانشت را به مردم بیاموز، و خود نیز دانش دیگران را فراگیر.**

****کسی که در دلش جز خوشنودی خدا خطور نکند، چون دعا کند من ضامنم که دعایش مستجاب گردد.**

****کسی که عقل ندارد ادب ندارد، و کسی که همت ندارد جوانمردی ندارد و کسی که حیا ندارد دین ندارد.**

برخی منابع:

بحارالانوار

روایت‌ها و حکایت‌ها ص 122 - داستانهای پراکنده ج 2 ص 152

منتهی الامال ج 1 ص 222

تحف العقول، ص 227

چهل حدیث، ص 118، ص 115